هر روز با اندوه نظاره می‌کنیم

درباره تجاوزهای زنجیره‌ای باند خفاشان سیاه پایتخت

افشین امیرشاهی
سردبیر هم‌میهن آنلاین

شش مرد خشن، بی‌رحم، تبهکار و بی‌وجدان، مسلحانه به خانه‌ها دستبرد می‌زدند و بدتر اینکه به زنان مقابل چشم شوهران‌شان تجاوز می‌کردند. این شیوه تباه را در چندین سرقت تکرار کردند. اکنون پس از تکرار چندباره این شیوه وحشیانه به دام افتاده‌اند. البته که خیلی هم دیر و کاملاً اتفاقی توسط یکی از قربانیان در خیابان، یکی از اعضای باند خفاشان سیاه را دید، با او درگیر شد، پلیس را خبر کرد، و درنهایت از طریق او، سایر اعضای باند دستگیر شدند. اکنون هر چه بگوییم و هر چه بنویسیم، نمی‌توانیم حق مطلب را ادا کنیم، از بس که این سلسله‌سرقت‌ها و تجاوزها هولناک و تکان‌دهنده است.

چندین سال پیش در دوره‌ای که کشور با مدیریت «احمدی‌نژادی» به ورطه سقوط می‌افتاد، به تدریج دزدی‌ها، فساد و اختلاس رشد چشمگیری پیدا کرد. کارشناسان هشدار می‌دادند که اگر جلوی این رانت‌های بی‌سابقه، مدیریت ناکارآمد و همچنین تورم، فساد و دروغگویی گرفته نشود، شرایطی پیش می‌آید که گرانی‌های فزاینده بر تن جامعه زخم می‌زند و هر روز که چاره‌ای اندیشیده نشود، این زخم ناسور، عمیق‌تر می‌شود و امیدی به بهبودی کمتر. نتیجه اینکه شرایطی در جامعه پیش می‌آید که مردم کمتر حس امنیت می‌کنند و شاید روزی برسد که مردم حتی در خانه‌هایشان هم احساس امنیت نداشته باشند. روزی که فقر و نابرابری بیداد می‌کند، گرانی‌ها کمر مردم را شکسته است و بزهکاری در جامعه بیشتر از قبل مشاهده می‌شود.

عالمان، دانایان و محققان به کرات اخطار دادند که چنین شیوه‌های مدیریتی به شدت ناصواب و نادرست است و باید به‌جای مدیران رانت‌خوار و افراد متملق، چاپلوس با مدیریت شعاری که به فکر جیب و منافع‌شان هستند، از افرادی استفاده شود که قابلیت‌های اجرایی و توانایی‌های مدیریتی داشته باشند، وگرنه سرعت فروپاشی جامعه و زوال اقتصادی بیشتر و بیشتر می‌شود. اما این هشدارها جدی گرفته نشد و اوضاع نه‌تنها بهبود پیدا نکرد که هر روز بدتر و بدتر شد.

اکنون شاهد استقرار مدیریتی یکدست در همه عرصه‌ها هستیم. چنین یکدستی‌ای در حاکمیت کشور در ۴۴ سال گذشته سابقه نداشته است اما در همچنان بر روی همان پاشنه می‌چرخد. ناکارآمدی در همه عرصه‌های کشور ریشه دوانده است. نتیجه چنین وضعیتی، افزایش حس ناامنی در کشور است. دزدی و سرقت تنه به تنه اختلاس می‌زند. روزی نیست که از اطرافیان خودمان خبری درباره یک اتفاق تلخ نشنویم.

اما این بار داستان متفاوت است. در خانه خودتان نشسته‌اید که ناگهان مردانی ناخلف و هرز، خبیث و بدطینت، تبهکار و فاسد به زور وارد می‌شوند، بیم و هراس ایجاد می‌کنند، به زورِ اسلحه، دست و پای اهالی خانه را می‌بندند، شروع می‌کنند به ضرب و شتم ساکنان تا جای طلا و سکه و ارز و وسایل ارزشمند را پیدا کنند، اما متاسفانه ماجرا به همین دزدی ختم نمی‌شود. دست و پای زن را باز می‌کنند و مقابل دیدگان شوهر به شنیع‌ترین شکل به او تجاوز می‌کنند. حتماً ماجرای کشیدن خلخال از پای زن یهودی را شنیده‌اید و جمله تکان‌دهنده امام علی (ع) که فرمودند اگر به خاطر این حادثه مسلمانی از شدت تأسف و اندوه بمیرد، ملامتی بر او نیست.

این اتفاق در جامعه‌ای با ادعای اسلامی بودن، چندین و چند بار تکرار شده است، حتی چند سال پیش در خمینی‌شهر اصفهان نیز رخ داده است. اما چرا شرایط جامعه باید به جایی برسد که شاهد چنین اتفاقاتی باشیم؟ ممکن است پاسخ دهید چنین اتفاق‌هایی در همه جوامع رخ می‌دهد و افرادی هستند که تعادل ندارند، ستمکار هستند و دست به چنین جنایت‌هایی می‌زنند. این مسئله اگرچه منطقی و پذیرفتنی است، اما یک موضوع دیگر نیز مطرح می‌شود که شاید جزو مطالبات و پرسش‌های مهم جامعه باشد. درحالی‌که نا امنی‌هایی از این دست در جامعه به چشم می‌خورد چرا مسئله حجاب باید در مرکز سیاست کشور و همچنین توجه و سیاستگذاری مسئولان قرار بگیرد. چرا همه نیروها باید تمام‌قد درگیر مسئله حجاب شوند و برای آن خط و نشان بکشند به‌طوری‌که از رسیدگی به مواردی چون ناامنی و فساد جا بمانند. شاید بگویید این پیش‌فرض اشتباه است و چنین جنایت‌هایی دلایل کارشناسی و فنی فراوانی دارد و این‌طور نیست که توان بیشتر نیروها صرف مقابله با بی‌حجابی شده باشد. اگرچه پذیرفتن این مسئله شاید دشوار باشد، اما باز هم قبول، می‌پذیریم، اما باز هم نمی‌توانیم منکر افزایش ناامنی اجتماعی و احساس ناامنی گسترده در میان مردم شویم. از یک طرف میزان جرم، جنایت، تجاوز و دزدی در جامعه فراوان مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که هر کدام از ما شاهد یک یا چند مورد دزدی و خشونت در میان اطرافیان‌مان بوده‌ایم. بیست سال پیش مگر چنین شرایطی در جامعه به چشم می‌خورد؟ از طرف دیگر جامعه احساس نبود امنیت می‌کند که این حس تنها به جرائم بستگی ندارد بلکه به میزان اعتماد اجتماعی نیز بر می‌گردد.

در موضوع تجاوزهای اخیر که به شکل سلسله‌وار صورت گرفته است، این انتظار وجود دارد که مسئله با حساسیت‌های مضاعف و استفاده از همه امکانات و تمام‌وقت مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. البته اطلاعات و مستندات ما درباره این حادثه کافی نیست و پلیس و دستگاه قضایی لازم است اطلاع‌رسانی کنند، اما در پرونده حساسی چون سرقت‌های مسلحانه خشن به همراه تجاوز قاعدتاً می‌بایست با صرف وقت بیست‌وچهارساعته و استفاده از همه امکانات به‌شکل ویژه به این پرونده ورود می‌شد. اما این سلسله‌سرقت‌های مسلحانه به طول انجامید.

به هر حال در شرایطی که جامعه ما گرفتار این مسائل است، منطقی نیست پلیس درگیر مسائل متفرقه باشد. چون جامعه مسئولیت رسیدگی به جرم و جنایت را از پلیس می‌خواهد، اما نظام سیاسی نقش‌های دیگری برای نیروی انتظامی تعریف می‌کند که جزو وظایف او نیست. نتیجه چنین سیاستگذاری‌هایی این است که حس اعتماد جامعه به نیروی انتظامی کاهش پیدا می‌کند. چون از نگاه جامعه، حضور نیروی انتظامی درجایی که باید فعال باشد، کم‌رنگ است و درجایی که جامعه انتظارش را ندارد و حتی منتقد حضور پلیس است، پررنگ‌تر ظاهر می‌شود. حتی با حضور مضاعف نیروهایی از سایر نهادها مواجه می‌شود که نتیجه آن جریمه و برخوردهایی است که می‌دانیم. این موارد حس اعتماد را در جامعه از بین می‌برد. پس هنگامی که اتفاقی به هولناکی این سرقت‌ها و تجاوزهای سریالی رخ می‌دهد، جامعه ناامید، بی‌اعتماد، سرخورده و عصبانی می‌شود که هر کدام تبعات خاص خودش را دارد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که پلیس حس همدردی خودش با جامعه را از دست داده است. همچنان که جامعه نیز متقابلاً حس اعتماد خودش را تا حد زیادی از دست داده است. وقتی اعتماد نباشد همدردی هم نخواهد بود. اعتماد اجتماعی مانند یک شیرازه تمام بخش‌های جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از پراکندگی آنها جلوگیری می‌کند. بی‌اعتمادی افراد به یکدیگر و به ساختار سیاسی، باعث بروز انواع بزهکاری‌ها و جرم و جنایت از یک طرف و همچنین فساد و رانت و دروغ و اختلاس از سوی دیگر می‌شود. پس دور از ذهن نیست که ارزش‌های اخلاقی هر روز در جامعه رنگ می‌بازد و جرم و جنایت پررنگ‌تر می‌شود. در چنین شرایطی ما مردم می‌مانیم و اندوه رسوایی‌هایی که هر بار نظاره می‌کنیم.

ادامه سرمقاله

موضوعی که در نهایت به دلیل شواهد و قرائن جدی پذیرفته و معلوم شد که علت سقوط نقص فنی نبود و به وسیله اصابت دو فروند موشک صورت گرفته است. مسئله اصلی در ابتدا این بود که چرا در آن روز که حملات موشکی ایران به پایگاه آمریکا در عراق انجام شد، دستور توقف پروازها به‌ویژه در تهران داده نشد؟ این مسئله‌ای است که تاکنون پاسخ درخوری برای آن داده نشده است. نکته دوم اینکه چرا با علم بر اینکه هواپیما به علت اصابت موشک سقوط کرده، بلافاصله قبول مسئولیت نشد و ادعاهای خلاف واقع مطرح شد؟ نکته بعدی اینکه اگر این شلیک اشتباهی رخ داده، چرا چنین شده؟ و چرا دومین شلیک نیز انجام شده است؟ موضوعات بعدی نیز در نحوه جمع‌آوری آثار هواپیمای ساقط شده و تحویل مدارک و وسایل شخصی به بازماندگان و کیفیت برخورد با آنان و ... مسیر دادرسی و ادعاهای خانواده‌های جان‌باختگان همگی موجب می‌شوند که نگاهی منفی نسبت به سیاست‌های رسمی و صداقت آن شکل بگیرد و پس از آن هیچ‌گاه این بدبینی ترمیم نشد که بدتر شد. رسیدگی قضایی نیز نتوانست حداقل‌های مورد انتظار خانواده‌های قربانیان را فراهم کند. در کنار اینها نحوه اطلاع‌رسانی در خصوص این اتفاق، طرف‌های ذینفع خارجی را نیز قانع نکرده است و همچنان پرونده آن در کش و قوس است.

در طول این ۴۵ سال، سال ۹۸ نقطه عطف و بسیار ویژه است و سقوط هواپیما، ویژه‌ترین مورد از رویدادهای پیاپی و تأثرآور این سال است.

گزارش یک

سه برابر شدن جریمه‌های رانندگی؟

بررسی پیشنهاد جدید پلیس برای کاهش تخلفات

پریسا هاشمی
گزارشگر هم‌میهن

فرماندهی انتظامی پیشنهاد داده است با هدف افزایش بازدارندگی تخلفات راهنمایی و رانندگی، جرائم ۳/۱ برابر افزایش یابد؛ افزایشی که در نهایت باید دولت درباره آن تصمیم‌گیری کند. البته آنگونه که یک منبع رسمی به هم‌میهن گفته است، «افزایش جرائم راهنمایی و رانندگی در دستور کار دولت نیست»، با این حال روز گذشته درباره جزئیات این رویداد از سوی پلیس راهور فراجا اطلاع‌رسانی شد.

سردار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی پیشنهاد افزایش مبلغ جرایم رانندگی را در آذرماه امسال مطرح کرد. او در توضیح این پیشنهاد گفت: «متاسفانه ۸۰ درصد تصادفات به دلیل ارتکاب تخلف رانندگی است و راه کاهش تخلفات، افزایش جرائم است.» او جرائم تخلفات رانندگی را در حدی بازدارنده نمی‌داند که باعث کاهش تخلف شود. سردار رادان رابطه‌ای بین این پیشنهاد با تورم و گرانی ندانسته و معتقد است: «افزایش جرائم برای کاهش تخلفات است. اگر کسی می‌خواهد تخلف کند باید بداند که جریمه سنگینی در انتظار اوست.» او می‌گوید، تصادف مربوط به تخلفات تنها از سوی شش تا هفت درصد رانندگان رخ می‌دهد که به افراد دیگر هم آسیب می‌زند.

افزایش حدود ۳/۱ برابری جرائم رانندگی

سردار سیدکمال هادیانفر، رئیس پلیس راهور فراجا قبل از تودیع از سمت خود، روز گذشته به تشریح جزئیات این پیشنهاد پرداخته بود. او به خبرگزاری ایسنا (وابسته به جهاددانشگاهی) گفت: «مبلغ جرائم ربطی به پلیس ندارد. برابر قوانین و مقررات هر سه سال باید چهار دستگاه شامل پلیس، وزارت دادگستری، وزارت کشور و وزارت راه در بحث جرائم تصمیم‌گیری کرده و در مبالغ آن بازنگری کنند. با این وجود پلیس راهور در سال‌های گذشته به دلیل وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور و عواملی مانند شیوع کرونا و... پیشنهادی به دولت نداد. این موضوع سبب شد تا کمیسیون اصل ۹۰ از پلیس و دستگاه‌های دیگر در این خصوص مطالبه کند، در همین راستا نیز جلسات مربوط به آن با حضور دستگاه‌های مختلف برگزار و پیشنهاداتی مطرح شد. کلیات بحث بر سر این موضوع بود که مبلغ فعلی جرائم حدود شش برابر شود که پلیس راهور با آن مخالفت کرد و با پیشنهاد پلیس بنا بر این شد که مبلغ جرائم رانندگی به‌طور میانگین حدود ۳/۱ برابر افزایش پیدا کند. همچنین اینطور شد که رقم جرائم برای سراسر کشور باشد و دیگر شهر و روستا و شهرهای کوچک و بزرگ و... دارای تغییر نباشند.» او با بیان اینکه این موضوع در کمیسیون قضایی دولت با ریاست وزیر دادگستری نیز مورد بحث قرار گرفت، افزود: «در نهایت در این جلسه این موضوع تصویب شد و به هیئت دولت رفت و به محض تصویب برای اجرا ابلاغ خواهد شد.»

رئیس سابق پلیس راهور فراجا در پاسخ به این سوال که مبلغ تمام جرائم رانندگی ۳/۱ برابر خواهد شد؟ تاکید کرد: «این افزایش به‌طور میانگین و در مورد کلیات است. طبیعتاً در مورد تخلفات حادثه‌ساز ممکن است میزان افزایش بیشتر باشد و در مورد برخی دیگر از تخلفات نیز میزان افزایش کمتر باشد. برابر ماده ۱۱۸ قانون برنامه ششم توسعه، رقم جرائم، محل درآمد و در واقع عایدی برای پلیس نداشت. در این ماده صراحتاً تاکید شده، دستگاه‌هایی که جریمه کنند، امکان برداشت ندارند. برابر قانون مبالغی از این رقم جرائم به وزارت کشور و وزارت راه داده می‌شود تا با استفاده از آن برای اصلاح نقاط حادثه‌خیز ترافیکی، توسعه دوربین‌ها و تجهیزات و... اقدام شود. همچنین رقمی هم در اختیار صندوق تامین توسعه خسارات بدنی قرار خواهد گرفت.»

هادیانفر در پاسخ به این سوال که افزایش رقم جرائم رانندگی چه زمانی اجرا خواهد شد؟ تاکید کرد: «این موارد در اختیار دولت محترم است. هیئت دولت باید موضوع را تصویب و ابلاغ کند و هر زمان که این اتفاق بیفتد پلیس راهور مکلف است که آن را اجرا کند. ضمن آنکه هیچ کد جدیدی به جرائم رانندگی اضافه نشده است.»

فرهنگسازی با افزایش جریمه

در این میان پربیراه نیست اگر بگوییم بیشترین تخلفات توسط موتورسیکلت‌ها رخ می‌دهد اما پلیس گاهی با طرح‌های مقطعی مانند «موتوریار پلیس»، «طرح ۱۰ با هدف ساماندهی تردد موتورسیکلت‌سواران»، «اجرای طرح غدیر با هدف توقیف موتورسیکلت‌های متخلف و فاقد مدارک» و... درصدد مقابله با تخلفات موتورسواران برمی‌آید اما این طرح‌ها با کمترین خروجی به پایان می‌رسند و تاکنون نتوانسته‌اند راه‌حل مناسبی در راستای فرهنگسازی باشند و گاهی هم به ضدفرهنگ تبدیل شده‌اند چراکه موتورسواران برای آنکه به دام طرح‌های پلیس گرفتار نشوند، به تخلف بیشتر دست می‌زنند.

از سوی دیگر در کنار افزایش جرائم رانندگی باید فرهنگ‌سازی نیز انجام شود. کمتر کسی است که نقش پررنگ کاراکتر «سیاه‌ساکتی» را در اشاعه برخی فرهنگ‌های رانندگی مانند بستن کمربند و عبور از چراغ قرمز انکار

ادامه از صفحه اول

باراک اوباما که چهل‌وچهارمین رئیس‌جمهور ایالات‌متحده بود و توانست در انتخابات ۲۰۱۲ مجدداً رئیس‌جمهور این کشور شود، دلیل موفقیت خود را «برخی دستیاران ارشد» می‌داند که مسئولیت کارزار انتخاباتی‌اش را برعهده داشتند؛ به همین دلیل او از رویکرد جوبایدن که کاری با مشاوران و دستیارانش در کاخ سفید ندارد، انتقاد کرد. افراد مطلعی که نام خود را فاش نکردند، به روزنامه واشنگتن‌پست گفتند، اوباما به هیچ چیز خاصی در ساختار کارزار انتخاباتی اشاره نکرد؛ اما پیشنهاد داد همزمان با اینکه ترامپ ظاهراً نامزد پیشتاز حزب جمهوری‌خواهان است، کارزار جوبایدن باید «جسورانه و به‌طور جدی به کار خود ادامه دهد». رئیس‌جمهور اسبق آمریکا به هیچ شخص خاصی برای استخدام اشاره نکرد، اما ظاهراً گفته که دیوید پلوف، استراتژیست ارشد اوباما که رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۰۸ او را رهبری می‌کرد، مثال شخصی است که می‌تواند به بایدن کمک کند. کارزار انتخاباتی جوبایدن و سخنگوی باراک اوباما به درخواست اظهارنظر از سوی روزنامه واشنگتن‌پست پاسخ نداده‌اند. هشدار اوباما به بایدن و مشاورانش در شرایطی صورت می‌گیرد که نظرسنجی‌ها از افت شدید موقعیت رئیس‌جمهوری کنونی حکایت دارد. از جمله، نتایج نظرسنجی جدید از سوی شرکت افکارسنجی «آمریکن ریسرچ گروپ» که در بازه زمانی ۱۷ الی ۲۰ دسامبر (۲۶ الی ۲۹ آذر) انجام شد، نشان می‌دهد، تنها ۳۷ درصد از آمریکایی‌ها عملکرد جوبایدن را در ریاست‌جمهوری کشورشان تایید می‌کنند، درحالی‌که ۵۷ درصد گفته‌اند عملکرد او را تایید نمی‌کنند.

نگرانی فراتر از انتخابات

هشدار اوباما به بایدن اما به نظر می‌رسد مسئله‌ای فراتر از یک مسئله حزبی و انتخاباتی باشد. تقویت گرایش راست رادیکال در میان جمهوری‌خواهان که با پشتوانه ناشی از شکاف و دوقطبی آشتی‌ناپذیر درون جامعه آمریکا همراه بوده است، سال‌هاست نظریه‌پردازان، تحلیلگران و کنشگران میانه‌رو آمریکایی را نگران کرده است. نه‌فقط دموکرات‌های انسان‌گرا و تاحدی آرمان‌گرا چون اوباما که حتی برخی چهره‌ها از طیف‌های ریشه‌دار حزب جمهوری‌خواه نیز در این نگرانی همراه هستند. چنان‌که در انتخابات ۲۰۲۰ که صحنه رقابت نزدیک بایدن و ترامپ بود، جمهوری‌خواهان محافظه‌کار و نامداری چون کالین پاول، وزیر امور خارجه دولت جورج بوش، از بایدن حمایت کردند. مایکل هیدن (رئیس اسبق سازمان سیا)، ویلیام وبستر (رئیس اسبق اف‌بی‌آی و سازمان سیا)، مایکل لیتر (مدیر اسبق اطلاعات ملی آمریکا) و مایک دانلی (وزیر اسبق نیروی هوایی ایالات متحده) از جمله مقامات امنیتی و اطلاعاتی ارشد سابق همسو با جمهوری‌خواهان بودند که در بیانیه‌ای با انتخاب مجدد ترامپ مخالفت کردند و نشان دادند بقای رئیس‌جمهوری وقت آمریکا در کاخ‌سفید، فراتر از رقابتی حزبی و سیاسی، خطرات امنیتی را متوجه ایالات متحده می‌سازد. از سوی دیگر، در عرصه جهانی نیز دولت‌های راست رادیکال و اقتدارگرا در حال تقویت هستند که فضای بین‌المللی را به سمت تنش و درگیری‌های بیشتر سوق داده‌اند. در شرایط کنونی، دو جنگ عمده با محوریت دولت تندرو بنیامین نتانیاهو در خاورمیانه و ولادیمیر پوتین اقتدارگرا در اوکراین، در جریان است و چشم‌انداز روشنی هم از پایان آنها در کوتاه‌مدت دیده نمی‌شود. چنان‌که جنگ فرسایشی اوکراین، غرب و به‌ویژه آمریکا و دولت بایدن را در ادامه حمایت‌های مالی از این کشور دچار تردید و گسست جدی کرده است؛ موضوعی که تاثیر منفی خود را بر پایگاه اجتماعی و موقعیت بایدن در میان رای‌دهندگان آمریکایی نیز برجای گذاشته است. چنانکه نظرسنجی جدیدی که تلگراف دیروز منتشر کرد، نشان می‌دهد یک‌سوم از رای‌دهندگان در ایالت‌های چرخشی آمریکا می‌گویند، این کشور «بیش از اندازه» از اوکراین حمایت می‌کند، درحالیکه درصد بسیاری از مردم در پنج ایالت از این شش ایالت می‌گویند این کمک‌ها باید قطع شوند. («ایالات چرخشی» کلیدی‌ترین ایالت‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا هستند که گرایش حزبی مشخصی ندارند و به همین دلیل هم نامزد دموکرات و هم کاندیدای جمهوری‌خواه در آن‌ها شانس پیروزی دارند). همزمان، سیاست‌های دولت آمریکا در قبال جنگ اسرائیل و غزه، با انتقادهایی تند از هر دو سو مواجه است. از یک طرف، طیف‌های حامی حقوق‌بشر به اعتراضات شدید علیه حمایت آمریکا از اسرائیل و مخالفت با قطعنامه‌های آتش‌بس فوری روی آورده‌اند و از طرف دیگر، آیپک و لابی‌های یهودی در آمریکا و خود دولت نتانیاهو حمایت‌های بایدن و سفرهای مکرر او و دولتمردانش به منطقه را ناکافی می‌دانند و از انتقادهای تلویحی دولتمردان آمریکا ناراضی هستند. در چنین شرایطی که سران کشورهای مهمی چون چین و هند هم، به سمت اقتدارگرایی و راستگرایی بیشتر در حال حرکت هستند و اروپای خسته از انبوه مهاجران نیز بیش از پیش، شبح راست افراطی را از آلمان و ایتالیا تا فرانسه و هلند بالای سر خود می‌بینند؛ بازگشت چهره‌ای چون ترامپ به کاخ‌سفید (و یا جمهوری‌خواهان همسوی او همچون نیکی هیلی) همچون میخی بر تابوت آرمان‌های حقوق‌بشری و لیبرالیسم در عرصه جهانی عمل خواهد کرد. رخدادی که می‌تواند دولت‌های غیردموکراتیک و گرایش‌های رادیکال را در داخل کشورها و رویکردهای میلیتاریستی در نقاط بحران‌خیز جهان تقویت کند. چنین چشم‌انداز هراسناکی است که چهره‌ای چون اوباما را که دل داده آرمان‌های مبتنی بر دموکراسی، حقوق‌بشر و صلح و